

ترتیب واژه در بهبهانی از منظر رده‌شناسی زبان

شهرام گرامی*

دانشجوی دوره دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

بهبهانی متعلق به شاخه جنوبی زبان‌های ایرانی غربی است که به لحاظ رده‌شناسی «ترتیب واژه» کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. شهر بهبهان در جنوب شرقی استان خوزستان قرار دارد. مردم این شهر به بهبهانی گفت‌وگو می‌کنند. این مقاله وضعیت رده‌شناختی ترتیب واژه را در بهبهانی بر اساس ۲۴ مؤلفه رده‌شناختی در برابر با دو رده فعل‌میانی و فعل‌پایانی در منطقه زبانی اروپا-آسیا و کلیه مناطق زبانی جهان بررسی کرده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهند که هر چند بهبهانی آمیخته‌ای از مؤلفه‌های رده‌شناختی فعل‌پایانی و فعل‌میانی است، اما گرایش زیادی به مشخصه‌های رده‌شناختی زبان‌های فعل‌میانی دارد. بهبهانی علی‌رغم این که در بسیاری از مؤلفه‌های رده‌شناختی مزبور به فارسی شباهت دارد، اما در برخی از ویژگی‌های دستوری، مثل فقدان فعل‌های کمکی مستقل برای بیان زمان آینده، فقدان نمود مستمر در زمان‌های حال و گذشته، و همچنین، نبود نشانه مفعول صریح، با زبان فارسی تفاوت دارد. در این پژوهش داده‌های زبانی گردآوری شده از گویشوران بهبهانی، با استفاده از پرسشنامه، مطابق با معیارهای زبان‌شناسی و شم زبانی آن‌ها، توصیف و تحلیل شده‌اند.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۲۳ اردیبهشت ۹۸
پذیرش: ۱۶ آذر ماه ۹۸

واژه‌های کلیدی:

جفت‌های همبستگی
چپ انشعابی
راست انشعابی
سوی انشعاب
مؤلفه‌های رده‌شناختی

* نویسنده مسئول

آدرس ایمیل: shahramgr21@gmail.com (شهرام گرامی)

۱. مقدمه

بهبهانی از گروه زبان‌های ایرانی غربی جنوبی^۱ در شهر بهبهان در جنوب شرقی استان خوزستان صحبت می‌شود و به لحاظ رده‌شناسی «ترتیب واژه» کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. تعیین وضعیت رده‌شناختی «ترتیب سازه‌های اصلی» در محدوده بند اصلی، بر اساس مؤلفه‌های بیست و چهارگانه رده‌شناختی درایر^۲ (۱۹۹۲) با عنوان «همبستگی‌های ترتیب واژه گرینبرگی»^۳ هدف اصلی نگارش این مقاله است. مقاله پیش رو بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. مطابق با مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه درایر (۱۹۹۲)، بهبهانی تابع کدام یک از دو الگوی

رده‌شناختی فعل پایانی OV و فعل میانی VO است؟

۲. آیا سوی انشعاب در مؤلفه‌های پیش گفته، یک‌دست است، یا غیر یک‌دست (یعنی، آمیزه‌ای از

راست انشعابی و چپ انشعابی می‌باشد)؟

۳. وضعیت رده‌شناختی ترتیب واژه در بهبهانی، در منطقه خود، یعنی اروپا-آسیا و کل جهان

چگونه است؟

روش تحقیق در پژوهش حاضر به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی است. داده‌های زبانی از طریق پرسشنامه ثبت شده‌اند. محتوای پرسشنامه شامل مؤلفه‌های رده‌شناختی آزموده شده در کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی تألیف دبیرمقدم (۱۳۹۲) می‌باشد. سپس، از طریق مصاحبه حضوری با طیف گوناگونی از گویشوران بومی در بهبهان به لحاظ سن، جنس، و تحصیلات (بی‌سواد، کم‌سواد، و حتی تحصیل کرده)، پیکره زبانی مورد نیاز استخراج شد. سپس، پاسخ‌های زبانی ثبت شده، به لحاظ صرفی، نحوی، و معنایی، مورد به مورد، تقطیع، و با استفاده از شم زبانی گویشوران و معیارهای زبان‌شناختی، به روشی تحلیلی و توصیفی، تجزیه و تحلیل شدند.

۱. از آن‌جا که بهبهانی، مانند برخی دیگر از زبان‌های ایرانی غربی جنوبی، همچون دوانی، دلواری و لارستانی، به لحاظ نظام مطابقه، دوگانه، و از این جهت با فارسی تفاوت دارد، نگارنده معتقد است که می‌توان در توصیف رده‌شناسی بهبهانی، از اصطلاح زبان بهبهانی نیز استفاده کرد.

2. Dryer

3. The Greenbergian Word Order Correlations

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱ پیشینه پژوهش در زبان‌های ایرانی

«ترتیب واژه» در زبان فارسی بیش از سایر زبان‌های ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. در این خصوص، کریمی (۱۹۹۴: ۴۸) به جزایری و پاپر (۱۹۶۱)، موین^۱ (۱۹۷۰)، فرخ‌پی^۲ (۱۹۷۹)، دبیرمقدم (۲۰۰۱) و سامنیان (۱۹۸۳) اشاره می‌کند که معتقدند «ترتیب واژه» در فارسی، «فعل‌پایانی» است، اما در این مورد، سهیلی اصفهانی (۱۹۷۶)، دو ترتیب فعل‌پایانی (SOV) و فعل‌آغازین (VSO)، و مرعشی (۱۹۷۰)، ترتیب ژرف‌ساختی فعل‌میانی (SVO) را قائل شده‌اند. کریمی (۱۹۹۴: ۴۸) خود معتقد است که زبان فارسی، به لحاظ توالی واژه، انعطاف‌ناپذیر نیست، بلکه زبانی است با توالی «فاعل- مفعول- فعل» (SOV) که با وجود توالی مضاف- مضاف‌الیه (NG) و موصوف- صفت (NA)، تعبیر گرینبرگ^۳ (۱۹۶۳/۱۹۶۶) از زبان‌های فعل‌پایانی را نقض می‌کند. کریمی (۱۹۸۹: ۱۲۵-۲۶۱) به نقل از دبیرمقدم، (۱۳۹۲) عنوان می‌کند که «ترتیب بنیادی واژه‌ها» در جمله‌های ساده زبان فارسی، در فارسی معیار گفتاری، لهجه تهران، به صورت (فاعل S) + (عبارت اضافه‌ای PP) + (مفعول O) + فعل V است. به باور وی، این ترتیب ترتیبی بی‌نشان است و می‌تواند تحت تأثیر برخی فرایندهای جابه‌جایی دگرگون گردد.

در خصوص این که در زبان فارسی کدام‌یک از توالی‌های «مفعول صریح- مفعول غیرصریح» و «مفعول غیرصریح- مفعول صریح» بی‌نشان یا نشان‌دار است، دبیرمقدم (۱۳۷۶) و راسخ (۱۳۸۲) به‌طور صریح ادعا کرده‌اند که توالی «مفعول صریح- مفعول غیرصریح» بی‌نشان است (منصوری، ۱۳۸۴: ۱۹۹-۲۰۰). منصوری (۱۳۸۴: ۱۹۹-۲۰۰) با استفاده از آزمون جملات درهم‌ریخته در ۷۰۰ جمله، و بهره‌گیری از شَم گویشوران زبان فارسی نشان داده است که ترتیب بی‌نشان در زبان فارسی ترتیب «مفعول صریح- مفعول غیرصریح» می‌باشد.

درزی (۱۹۹۶: ۸۷) از منظر زبان‌شناسی زایشی می‌نویسد:

«ترتیب واژه» در ساخت بنیادی جمله ساده در فارسی، «فاعل- مفعول- فعل» (SOV) است، اما ترتیب پیشنهادی فوق، مغایر با فرضی است که در چنین زبان‌هایی

-
1. Moyne
 2. Farrokhpey
 3. Greenberg

«فعل کمکی» بعد از «فعل اصلی» به کار می‌رود، زیرا در فارسی فعل کمکی قبل از فعل اصلی ظاهر می‌شود. بنابراین در این مورد به پژوهش‌های پیش‌تری نیاز است.

محمودوف (۱۳۶۵) در مطالعات آماری ترتیب اجزای کلام را در دو مجموعه داستان فارسی معاصر، به نام‌های «نامه‌ها و داستان‌های دیگر» از بزرگ علوی و «مدّ و مه» از ابراهیم گلستان بررسی کرده است. او پس از ذکر آمار انواع جملات ساده دو ترکیبی، مثل دو، سه، چهار، پنج و شش عضوی، می‌نویسد: تقریباً در ۷۲ درصد جملات ساده دو ترکیبی، نهاد در صدر جمله جای دارد و در دیگر انواع جملات ساده نیز، در ۹۲ درصد موارد، گزاره پایان‌بخش جملات است. نهاد همیشه متمایل به صدرنشینی و گزاره نیز متمایل به آمدن در پایان جمله است.

در پژوهش آماری دیگر، احمدی‌پور (۱۳۷۲) در گونه نوشتاری ادبیات کودک، جملاتی را از حدود ۲۰ کتاب کودک در زبان فارسی جمع‌آوری کرده است. او، به لحاظ آماری، ترتیب سازه‌های اصلی را در جملات ساده اخباری و جملات مرکب موصولی و متممی بررسی کرده و نتیجه گرفته است که ترتیب سازه، حداقل در گونه مورد بررسی انعطاف‌پذیر است. غالب‌ترین الگو در جملات ساده اخباری، آغازنشینی نهاد در مقابل گزاره و قرارگرفتن فعل در پایان گزاره است.

نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های شجاعی (۱۳۹۶) حاکی از آن است که ترتیب بی‌نشان جملات زبان فارسی «فاعل- مفعول صریح - مفعول حرف اضافه‌ای- فعل» است. بسامد وقوع ترتیب نشان‌دار سازه‌ها توزیع چشمگیری ندارد. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نقش حرکت‌های نحوی در به‌وجودآمدن مقوله‌های نشان‌دار در زبان فارسی بسیار پررنگ است. فیض‌بخش (۱۳۹۴) نیز عنوان می‌کند که در کردی اردلانی، فاعل و مفعول صریح می‌توانند پسایند شوند. همچنین برخلاف زبان فارسی که در آن، تنها مفعول صریح پیشایند می‌شود، مفعول غیرصریح نیز به جایگاه آغازین جمله پیشایند می‌شود. نتیجه بررسی وضعیت رده‌شناختی گویش اردلانی، این واقعیت را آشکار می‌سازد که این گویش هم در مقیاس زبان‌های اروپا - آسیا و هم در مقیاس زبان‌های جهان، تمایل قابل توجهی به زبان‌های فعل‌میانی قوی دارد. به لحاظ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه، بین زبان فارسی و کردی (گویش اردلانی) شباهت بسیار زیادی وجود دارد. گونه گفتاری زبان کردی (اردلانی) در برابر تغییر در آرایش اصلی سازه‌های زبانی منعطف است، اما این انعطاف‌پذیری به صورت مطلق نمی‌باشد.

واحدی لنگرودی (۱۳۸۱) گویش گیلکی لنگرود را بر اساس دو نظریه «هسته-وابسته» و «سوی انشعاب» بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که از مجموعه ۱۴ مؤلفه یا جفت همبستگی معتبر در این گویش، ۹ مؤلفه با ترتیب اصلی (OV) و ۵ مؤلفه با ترتیب (VO) همبستگی دارند. او ترتیب اصلی واژه را در گویش گیلکی لنگرود، SOV قلمداد می‌کند. رضاپور (۱۳۹۴) نیز از منظر رده‌شناختی، «ترتیب واژه» را در زبان سمنانی بر پایه مؤلفه‌های بیست و چهارگانه درایر (۱۹۹۲) بررسی کرده است و نتیجه می‌گیرد که زبان سمنانی دارای ۱۷ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌پایانی قوی و ۱۶ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میان قوی در مقایسه با گروه‌زبان‌های اروپا-آسیا و همچنین دارای ۱۶ مؤلفه فعل‌پایانی قوی و ۱۴ مؤلفه فعل‌میان قوی در مقایسه با گروه زبان‌های جهان است. بنابراین، نتیجه می‌گیرد که زبان سمنانی گرایش به رده‌زبان‌های فعل‌پایانی دارد. وی اضافه می‌کند که فاصله چندانی بین مؤلفه‌های فعل‌پایانی قوی و فعل‌میان قوی در تحقیق نیست، و این حاکی از تحول و تغییر زبان سمنانی به سمت رده‌زبان‌های فعل‌میان است.

دبیرمقدم (۱۳۹۲) در جامع‌ترین اثر خود، با مبنا قراردادن درایر (۱۹۹۲)، ۲۴ مؤلفه رده‌شناختی ترتیب واژه در زبان فارسی و برخی زبان‌های ایرانی نو را بررسی می‌کند. نتایج به دست‌آمده از تحلیل‌های زبانی با جدول‌های آماری درایر (۱۹۹۲) از دو منطقه‌زبان‌های اروپا-آسیا و زبان‌های جهان در دو رده فعل‌میان قوی و ضعیف و فعل‌پایانی قوی و ضعیف مقایسه شده‌اند. تحلیل‌های آماری این پژوهش، از مقایسه زبان‌های ایرانی، نشان می‌دهد که زبان‌های فارسی، بلوچی، دوانی، لارستانی، وفسی، کردی، اورامی، لکی، دلواری، و نائینی، به لحاظ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه، همبستگی بیش‌تری با زبان‌های رده «فعل-مفعول» قوی (یعنی، فعل‌میان قوی) را در خود تثبیت کرده‌اند. در این میان، میزان همبستگی زبان‌های کردی و لکی با زبان‌های رده فعل‌میان قوی اندکی بیش‌تر است. از سوی دیگر «تالشی» (گویش عنبران بالا) و «شهمیرزادی» گرایش بیش‌تری به سمت زبان‌های رده فعل‌پایانی قوی دارند، و زبان «تاتی» درست در حد فاصل زبان‌های فعل‌پایانی و زبان‌های فعل‌میان جای دارد. در توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود، از میان زبان‌های مورد مطالعه، فقط زبان فارسی فعل کمکی مستقل برای بیان زمان آینده دارد. دوانی، لارستانی و دلواری برای نمود ناقص یا مستمر فاقد فعل کمکی مستقل هستند. در مؤلفه توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود، در فارسی،

کردی (بانه‌ای و سندنجدی)، اورامی، دلواری، نائینی، شه‌میرزادی، و تاتی، هر دو امکان وجود دارد. در زبان‌های دوانی، لارستانی، و تالشی فعل کمکی زمان- نمود همواره پس از فعل ظاهر می‌شود. فعل کمکی زمان- نمود در زبان‌های کردی (کلهری و کرماشانی)، لکی، وفسی، و بلوچی پیش از فعل اصلی واقع می‌شود.

یافته‌های دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۲۰۱-۱۲۰۲) نشان می‌دهند که زبان‌های ایرانی نو مورد مطالعه،

در مؤلفه‌های زیر مشترکند:

توالی «هسته اسمی» و «بند موصولی»، توالی «فعل» و «قید حالت»، توالی «فعل اسنادی» و «گزاره»، توالی فعل «خواستن» و «فعل بند پیرو»، توالی «صفت اشاره» و «اسم»، توالی «قید مقدار» و «صفت»، توالی «ادات استفهام» (در صورت موجود بودن) و «جمله»، توالی «پیرونمای» بند قیدی / حرف ربط قیدی و «بند»، توالی «فعل» و «فاعل»، توالی «عدد» و «اسم»، توالی «فعل اصلی» و «فعل کمکی» در مفهوم «توانستن»، توالی «متمم‌نما» (در صورت موجود بودن) و «جمله متمم»، حرکت «پرسش‌واژه»، توالی «مفعول» و «فعل» و توالی «وند منفی‌ساز» و «ستاک فعل». از سوی دیگر، تعداد مؤلفه‌های رده‌شناختی «غیرمشترک» در زبان‌های ایرانی نو، «نه مؤلفه» هستند: «نوع حرف اضافه»، توالی «مضاف و مضاف‌الیه»، توالی «صفت و مبنای مقایسه»، توالی «فعل» و «گروه حرف اضافه‌ای»، توالی «موصوف» و «صفت»، توالی «فعل اصلی» و «فعل کمکی زمان- نمود»، توالی «حرف تعریف» و «اسم»، توالی «وند زمان- نمود» و «ستاک فعل» و توالی «اسم» و «تکواژ آزاد ملکی».

دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۱۹۷) با بینابینی خواندن وضعیت زبان‌های ایرانی نو در حدفاصل نمونه‌اعلای زبان‌های رده فعل‌میانی قوی و نمونه‌اعلای زبان‌های فعل‌پایانی قوی، معتقد است که شواهد داده‌بنیان و تجربی از زبان‌های ایرانی نو هم‌سو با نگاه دوشقی و پارامتری به ساختار زبان‌ها نیست و آن را تأیید نمی‌کند. او می‌گوید: «رده بینابینی هم، خود یک رده است و نمی‌توان الزاماً حکم کرد که مرحله‌ای است موقتی و در گذار. بنابراین، به نظر می‌رسد این وضعیت بینابینی را نیز باید به منزله یک «رده مستقل» بازشناخت».

۲-۲ پیشینه مطالعه در زمینه «ترتیب واژه» در زبان بهبهنی

در بهبهنی پژوهش‌هایی از جمله گرامی (۱۳۸۵)، معماری (۱۳۸۹)، شرفیان (۱۳۹۰)، راستی بهبهنی (۱۳۹۱)، محمدیان (۱۳۹۴)، حامدی شیروان و همکاران (۱۳۹۴) و نشاطی (۱۳۹۵) در

حوزه گویش‌شناسی صورت گرفته است، اما در زمینه «ترتیب واژه» در بهبهانی تنها می‌توان به حامدی شیروان و همکاران (۱۳۹۴) و حامدی شیروان (۱۳۹۵) استناد کرد. در این پژوهش‌ها آرایش واژگان در چهار گویش فارسی خوزستان، یعنی، «بهبهانی»، «شوشتری»، «دزفولی» و «هندیجانی» از نظر رده‌شناختی بررسی شده است. مبنای ارزیابی رده‌شناختی «ترتیب واژه» در چهار گویش مذکور، ۲۴ مؤلفه رده‌شناختی ترتیب واژه است که ۱۹ مؤلفه آن برگرفته از مقاله درایر (۱۹۹۲) و مابقی از پایگاه داده‌های او استخراج شده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهند که به طور کلی این چهار گویش هم در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا و هم در مقایسه با زبان‌های دنیا، به رده «فعل‌میانی قوی» گرایش دارند. بر اساس آمار جدول‌ها، رفتار رده‌شناختی این گویش‌ها با رده بینابین (آمیخته) که دبیرمقدم (۱۳۹۲) برای زبان‌های ایرانی پیشنهاد کرده است، هماهنگ است. حامدی شیروان و همکاران (۱۳۹۴) درباره مؤلفه‌های رده‌شناختی مشترک و غیرمشترک خاطرنشان کرده‌اند که در این چهار گویش، فقط مؤلفه‌های ۱، ۹ و ۱۱ غیرمشترک هستند، و این گویش‌ها در ۲۱ مؤلفه دیگر، رفتار مشترک دارند. مطابق با جدول آماری ۳ در مقاله پیش‌گفته، «بهبهانی» در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا در ۱۲ مؤلفه فعل‌پایانی قوی و در ۱۷ مؤلفه فعل‌میانی قوی است. «بهبهانی» در مقایسه با زبان‌های جهان در ۱۵ مؤلفه، فعل‌پایانی قوی و در ۲۰ مؤلفه، فعل‌میانی قوی است. گروه حرف اضافه‌ای در چهار گویش بررسی شده، هم پیش و هم پس از فعل می‌آید و از فعل کمکی برای بیان زمان آینده استفاده نمی‌شود. همچنین در بهبهانی و هندیجانی، برای نشان دادن نمود ناقص در زمان‌های ماضی مستمر و مضارع مستمر از فعل کمکی «داشتن» استفاده نمی‌شود. در مؤلفه «توالی حرف تعریف و اسم»، در هر چهار گویش، حرف تعریف /i-/ که نشانه نکره است، بعد از اسم می‌آید که مطابق با فارسی معیار است، اما در این گویش‌ها، حرف تعریف معرفه نیز بعد از اسم می‌آید که این مورد در فارسی معیار وجود ندارد.

۳. چارچوب نظری

«ترتیب واژه» یکی از مباحث اصلی حوزه رده‌شناسی زبان است که به توالی سازه‌های زبانی بر پایه برخی از مؤلفه‌های بنیادی رده‌شناختی در زبان‌های جهان می‌پردازد. گرینبرگ (۱۹۶۳)

(۱۹۶۶) از چهره‌های صاحب‌نام در این حوزه، بر پایه داده‌های زبانی خود از ۳۰ زبان جهان، ۴۵ همگانی تلویحی را به دست داد که از میان آن‌ها، ۲۸ مورد مرتبط با «ترتیب واژه» بود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۳). این همگانی‌های تلویحی همه زبان‌های دارای ترتیب واژه‌ای (الف) فاعل- فعل- مفعول (SVO)، (ب) فاعل-مفعول- فعل (SOV)، و (پ) فعل- فاعل- مفعول (VSO) را شامل می‌شوند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۴). گرینبرگ بر اساس ترکیبی از چهار شاخص ۱. VSO، SVO، SOV، ۲. پیش و پس اضافه (Pr/Po)، ۳. مضاف و مضاف‌الیه (NG/GN)، و ۴. صفت و موصوف (NA/AN) ۲۴ رده منطقی را در رده‌شناسی ترتیب واژه برای زبان‌های جهان مطرح کرد (کامری^۱، ۱۹۸۹: ۹۵). بر اساس پایگاه داده‌های زبانی این پژوهش، در عمل ۱۵ رده زبانی تایید شد که از این میان ۴ رده که بیش‌ترین تعداد از زبان‌های جهان را در خود جای داده‌اند، عبارتند از:

الف. NA/NG/Pr/VSO، ب. NA/NG/Pr/SVO

پ. AN/GN/Po/SOV، ت. AN/GN/Po/SOV

کامری (۱۹۸۹: ۹۵) می‌نویسد، به دلیل شباهت دو رده «الف و ب»، نخست با حذف فاعل (S) می‌توان رده‌های «الف و ب» را به رده VO (فعل‌میانی) و به‌همین‌سان، رده‌های (پ) و (ت) را به رده OV (فعل‌پایانی) کاهش داد. دوم آن‌که، در بیش‌تر شاخص‌ها رده VO دقیقاً برعکس رده OV عمل می‌کند. به عنوان نمونه، مشخصه‌های زبان‌های رده VO به این شکل صورت‌بندی می‌شوند:

حرف اضافه (Pr) + گروه اسمی، مضاف + مضاف‌الیه (NG)، موصوف + صفت (NA)، اسم + بند موصولی (NRel).

مشخصه‌های دیگر این رده عبارتند از: گرایش به استفاده از پیشوند، کاربرد فعل کمکی پیش از فعل اصلی و بیان صفت قبل از مبنای مقایسه صفت. صورت‌بندی زبان‌های رده OV به این صورت است:

گروه اسمی + حرف اضافه (Po)، مضاف‌الیه + مضاف (GN)، صفت + موصوف (AN)، بند موصولی + اسم (ReIN).

1. Comrie

ویژگی‌های دیگر این رده عبارتند از: گرایش قوی به کاربرد پسوند، استفاده از فعل کمکی بعد از فعل اصلی، و بیان صفت پس از مبنای مقایسه صفت (کامری، ۱۹۸۹: ۹۵-۹۶).
 له‌مان^۱ (۱۹۷۳) به نقل از سونگ^۲ (۲۰۰۱)، نیز با پذیرش رده‌بندی دوشقی زبان‌های جهان به فعل‌میانی (VO) در تقابل با فعل‌پایانی (OV) و طرح «اصل اساسی چینش^۳» خود، بر این باور است که در هر رده زبانی، جایگاه توصیف‌کننده‌های مفعول اسمی (O) و یا فعل (V) سوی مخالف سازه همجوار آن است. به عنوان نمونه، در رده فعل‌میانی (VO) مفعول اسمی (O) در سمت راست فعل (V) قرار دارد. بنابراین، توصیف‌کننده‌های فعل (مثل، فعل‌های کمکی، تکواژهای نفی، سببی‌ساز، انعکاسی یا متقابل و غیره) در سوی مخالف، یعنی سمت چپ فعل واقع می‌شوند. به همین سان، توصیف‌کننده‌های مفعول اسمی (مثل، صفت، مضاف‌الیه، جمله موصولی و صفت ملکی) در سمت راست مفعول واقع می‌شوند. چنین توصیفی را می‌توان برای رده مفعول-فعل (OV) نیز قائل شد.

ونه‌مان^۴ (۱۹۷۴) نیز با پذیرش ترتیب دوشقی مفعول-فعل (OV) و فعل-مفعول (VO) و طرح دو مفهوم «عمل^۵» (هسته یا توصیف‌شده) و «عمل‌گر^۶» (وابسته یا توصیف‌کننده) عنوان می‌کند که اصل زنجیره طبیعی^۷ وی، با اصل چینش له‌مان سازگار است (رضایی و بهرامی، ۱۳۹۴).
 به گفته کامری (۱۹۸۹: ۹۵) ترتیب اصلی واژه در جملات زبان فارسی SOV است، اما این زبان در برخی مؤلفه‌های رده‌شناختی، فعل‌میانی است. وی توصیه می‌کند که برای پیش‌گیری از سردرگمی در این زمینه، هنگامی که «رده» مورد نظر باشد، به پیروی از ونه‌مان، از دو اصطلاح «عمل-عمل‌گر» یا هسته-وابسته برای رده (VO) و «عمل‌گر-عمل»، یا وابسته-هسته برای رده (OV) استفاده شود.

درایر (۱۹۹۲: ۸۱)، ضمن اشاره به مطالعات رده‌شناختی گرینبرگ (۱۹۶۳) و طرح همبستگی برخی جفت‌های دستوری با ترتیب دوشقی مفعول-فعل (OV) و فعل-مفعول (VO)، می‌نویسد

1. Lehmann

2. Song

۳. معادل عبارت Fundamental Principle of Placement برگرفته از رضایی و بهرامی (۱۳۹۴) است

4. Vennemann

5. operand

6. operator

7. natural serialization principle

که هدف از نگارش مقاله (۱۹۹۲)، تعیین جفت‌های دستوری همبسته با ترتیب فعل و مفعول، و علت وجود این همبستگی است. او در مورد اول معتقد است که در تعیین جفت‌های همبسته هرگز شواهد تجربی با جزئیات کامل ارائه نشده است. بررسی‌های آماری او از داده‌های ۶۲۵ زبان جهان نشان می‌دهد که برخی جفت‌های دستوری با فعل و مفعول همبسته هستند و برخی دیگر نیستند. تعریف درایر (۱۹۹۲) از سازه‌های همبسته با فعل و سازه‌های همبسته با مفعول به گونه زیر است:

(۱) اگر ترتیب جفت‌های X و Y ، چنین باشد که X در زبان‌های رده فعل-مفعول (VO) نسبت به زبان‌های رده فعل-مفعول (OV)، با بسامدی بیش‌تر، قبل از Y ظاهر شود، آن‌گاه جفت (Y, X) یک جفت همبسته محسوب می‌شود و X همبسته با فعل، و Y در این جفت، همبسته با مفعول است (درایر، ۱۹۹۲: ۸۷).

در مورد دوم، یعنی علت وجود جفت‌های X و Y در سطح گروه و بند و رابطه همبستگی آن‌ها با دو رده فعل-مفعول (VO) و مفعول-فعل (OV) به دو نظریه هسته-وابسته^۱ (HDT) و هسته-متمم^۲ (HCT) پرداخته می‌شود:

(۲) نظریه هسته-وابسته: سازه‌های همبسته با فعل هسته هستند و سازه‌های همبسته با مفعول وابسته‌اند. به دیگر سخن، جفت X و Y با بسامد بیش‌تری در زبان‌های رده فعل-مفعول (VO) نسبت به زبان‌های رده فعل-مفعول (OV) ترتیب XY را اختیار می‌کند، چنان‌چه فقط X هسته و Y وابسته باشد (درایر، ۱۹۹۲: ۸۷).

درایر معتقد است که ضعف این نظریه آن است که معیارهای شناسایی هسته از وابسته، فرضیه‌مدار است. وی در مورد پیش‌بینی‌های دو تعریف (۱) و (۲) از جفت‌های دستوری X و Y ، و ارزیابی رابطه همبستگی آن‌ها با ترتیب‌های فعل و مفعول، چهار مجموعه متفاوت از جفت‌های دستوری را معرفی می‌کند:

مجموعه (۱) «جفت‌های غیرهمبسته»^۳، در این مجموعه عضو اول وابسته و عضو دوم هسته است: صفت و اسم، اشاره و اسم، قید مقدار و صفت، ادات منفی و فعل، ادات زمان/نمود و فعل.

1. The Head-Dependent Theory
2. The Head-Complement Theory
3. Non-correlation pairs

در سه مجموعه دیگر، یعنی مجموعه‌های (۲)، (۳) و (۴)، عضو اول با فعل و عضو دوم با مفعول همبسته است.

مجموعه (۲) «جفت‌های همبسته»^۱ در نظریه هسته-وابسته، شامل مضاف و مضاف‌الیه، اسم و بند موصولی، صفت و مبنای مقایسه، و فعل و گروه حرف اضافه‌ای است.

مجموعه (۳) یا «جفت‌های بحث‌برانگیز»^۲ شامل فعل و فاعل، فعل کمکی زمان-نمود و گروه فعلی، فعل کمکی منفی و گروه فعلی، متمم‌نما و جمله متمم، ادات استفهام و جمله، پیرونمای بند قیدی و بند/ جمله، حرف تعریف و گروه اسمی، واژه جمع و گروه اسمی است.

مجموعه (۴) یا همان «جفت‌های همبستگی که متمم ندارند (و یا ممکن است متمم نداشته باشند)» فعل و قید حالت، فعل و گروه حرف اضافه‌ای، صفت و مبنای مقایسه، مضاف و مضاف‌الیه، «خواستن»^۳ و فعل بند پیرو، و اسم و بند موصولی را شامل می‌شود (درایر، ۱۹۹۲: ۹۱).

بر اساس جدول‌های آماری موجود در مقاله درایر (۱۹۹۲: ۹۴-۹۰)، در اغلب مناطق جغرافیایی جهان، مجموعه (۲)، یعنی جفت‌های دستوری همبسته تقریباً به طور قابل ملاحظه‌ای با دو رده فعل-مفعول (VO) و مفعول-فعل (OV) همبستگی دارند و مطابق با پیش‌بینی نظریه هسته-وابسته عمل می‌کنند. از سوی دیگر، مجموعه (۱)، یعنی «جفت‌های غیرهمبسته»، از یک هسته و یک وابسته تشکیل شده‌اند، اما داده‌های آماری درایر (۱۹۹۲) از زبان‌های جهان، همبستگی جفت‌های ذکر شده را با رده‌های «فعل-مفعول» و «مفعول-فعل» تایید نمی‌کند، و برای نظریه هسته-وابسته مسئله‌ساز هستند. زیرا این نظریه پیش‌بینی می‌کند که هسته در هر جفت باید با فعل، و وابسته با مفعول همبسته باشد. در تشخیص هسته از وابسته در جفت‌های دستوری مجموعه (۳)، یعنی «جفت‌های بحث‌برانگیز»، میان زبان‌شناسان وحدت نظر وجود ندارد (درایر، ۱۹۹۲: ۱۰۰). دسته‌بندی جفت‌های دستوری مزبور مطابق با پیش‌بینی نظریه هسته-وابسته است. اما اگر دسته‌بندی مذکور به گونه دیگری باشد، پیش‌بینی آن برای نظریه هسته-وابسته مسئله‌ساز خواهد بود. ضعف نظریه «هسته-وابسته» در تبیین مجموعه (۱)، یعنی،

1. Correlation pairs
2. Controversial pairs
3. want

جفت‌های غیرهمبسته منجر به طرح نظریه «هسته-متمم» شده است (درایر، ۱۹۹۲: ۱۰۵-۱۰۶):

(۳) نظریه هسته-متمم (HCT)^۱: سازه‌های هم‌الگو با فعل، هسته، و سازه‌های هم‌الگو با مفعول متمم هستند. به دیگر سخن، جفت X و Y در زبان‌های رده فعل-مفعول (VO) به طور قابل ملاحظه‌ای، در مقایسه با زبان‌های رده مفعول-فعل (OV)، ترتیب XY را خواهد داشت اگر X هسته و Y متمم باشد (درایر، ۱۹۹۲: ۱۰۶).

از منظر نظریه «هسته-متمم»، مجموعه «جفت‌های غیرهمبسته» به لحاظ آماری، به دلیل فقدان متمم، همبسته محسوب نمی‌شوند. همچنین، اگر سازه‌های همبسته با مفعول در مجموعه جفت‌های بحث‌برانگیز وابسته باشند، قطعاً متمم خواهند بود، نه افزوده (درایر، ۱۹۹۲: ۱۰۶).

با این وصف، نظریه «هسته-متمم» در تبیین جفت‌های همبسته که متمم ندارند، یعنی مجموعه (۴)، با مشکل مواجه می‌شود زیرا به نظر می‌رسد در این جفت‌ها، سازه‌هایی مثل قید حالت، گروه حرف اضافه، مبنای مقایسه و بند موصولی، افزوده باشند، نه متمم (درایر، ۱۹۹۲: ۱۰۶).

درایر (۱۹۹۲) پس از تجزیه و تحلیل‌های طولانی در این موضوع، نتیجه می‌گیرد که برخی از سازه‌های همبسته با مفعول در مجموعه جفت‌های (۴) «گروهی»^۲ و برخی دیگر «غیرگروهی»^۳ هستند. این تحلیل منجر به طرح نظریه‌ای جایگزین برای برطرف کردن ضعف هر دو نظریه «هسته-وابسته» و «هسته-متمم» می‌شود. نظریه‌ای که نه تنها مبتنی بر تمایز بین هسته و وابسته است، بلکه به وجود تفاوت بین سازه‌های گروهی و غیرگروهی نیز قائل است.

درایر (۱۹۹۲) در تبیین جفت‌های همبسته در مجموعه «جفت‌های همبسته» در نظریه هسته-وابسته و «جفت‌های بحث‌برانگیز» می‌نویسد: «در هر جفت دستوری، یک سازه غیرگروهی همبسته با فعل، و یک سازه گروهی همبسته با مفعول وجود دارد. متقابلاً، در مجموعه جفت‌های غیرهمبسته، هر دو سازه غیرگروهی هستند». بنابراین، درایر (۱۹۹۲) نظریه «سوی انشعاب» را به گونه زیر بیان می‌کند:

1. Head Complement Theory
2. Phrasal
3. Non Phrasal

(۴) نظریه سوی انشعاب: سازه‌های همبسته با فعل مقوله‌های غیر گروهی (یعنی غیرانشعابی یا واژگانی) و سازه‌های همبسته با مفعول، مقوله‌های گروهی یا انشعابی هستند. به عبارت دیگر، جفت X و Y در زبان‌های رده فعل-مفعول (VO) به طور قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با زبان‌های رده فعل-مفعول (OV) ترتیب XY را خواهد داشت، چنانچه X مقوله غیر گروهی و Y مقوله گروهی باشد (درایر، ۱۹۹۲: ۱۰۹).

درایر (۱۹۹۲) معتقد است که مطابق با نظریه جایگزین از سوی وی، یعنی نظریه سوی انشعاب، گرایش نسبی در زبان‌های جهان چنین است که سازه‌های همبسته با فعل، مقوله‌های غیر گروهی و سازه‌های همبسته با مفعول مقوله‌های گروهی هستند. در زبان‌های رده فعل-مفعول، مقوله‌های گروهی پیش از مقوله‌های غیر گروهی و در زبان‌های رده فعل-مفعول، مقوله‌های غیر گروهی پیش از مقوله‌های گروهی واقع می‌شوند.

به باور درایر (۱۹۹۲) یکی از مزیت‌های نظریه سوی انشعاب نسبت به نظریه هسته-وابسته، تبیین جفت‌های غیرهمبسته از منظر نظریه سوی انشعاب است. مطابق با نظریه سوی انشعاب، مقوله‌های وابسته در این جفت‌ها، یعنی «صفت»، «صفت اشاره»، «قید مقدار» برای صفت، «ادات منفی» و «وند زمان-نمود»، غیر گروهی هستند، بنابراین نمی‌توانند جفت همبسته را با هسته خود که غیر گروهی است، تشکیل دهند. از سوی دیگر، مزیت دیگر نظریه مزبور نسبت به نظریه هسته-وابسته، مربوط به جفت‌های بحث‌برانگیز است که در مورد هسته و وابسته بودن سازه‌ها، میان زبان‌شناسان وحدت نظر وجود ندارد. مطابق با نظریه سوی انشعاب، سازه غیر گروهی، هسته و سازه گروهی وابسته است.

درایر (۱۹۹۲) می‌نویسد:

نظریه سوی انشعاب می‌تواند متأثر از ماهیت پردازش‌گر ذهن انسان باشد. به عبارت دیگر، زبان‌های جهان به یکی از دو وضعیت آرمانی تمایل دارند. زبان‌های راست انشعابی و زبان‌های چپ انشعابی، زیرا که انشعاب به صورت یکپارچه و ثابت به یکی از این جهت‌ها، ممکن است از وقوع مشکلات پردازشی جلوگیری کند. چنانچه زبانی، مطابق با دو وضعیت آرمانی مذکور عمل نکند، از نظر پردازشی با دشواری مواجه می‌شود.

۴. تحلیل مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در بهبهنی

در این بخش، وضعیت رده‌شناسی ترتیب واژه در بهبهنی، بر پایه مؤلفه‌های رده‌شناختی درایر (۱۹۹۲: ۸۳-۱۲۷) و بر اساس جدول‌های آماری او از جفت‌های همبستگی در دو رده فعل‌پایانی و فعل‌میانی قوی و ضعیف، در منطقه زبان‌های اروپا-آسیا^۱، و کل زبان‌های جهان سنجیده می‌شود. در این جدول‌ها، زبان‌های جهان به شش منطقه جغرافیایی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: آفریقا^۲، اروپا-آسیا، جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه^۳، استرالیا و گینه نو^۴، آمریکای شمالی^۵، آمریکای جنوبی^۶. اعداد مذکور در جدول به تعداد گروه‌زبان‌ها اشاره دارند و هر گروه‌زبان، شامل زبان‌های خویشاوند می‌شود. در هر منطقه، در یک رده فعل و مفعول، عدد بزرگ‌تر در درون مربع جای گرفته است. درایر (۱۹۹۲: ۸۳-۸۴، رک. دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۱۹-۱۲۱) می‌گوید «گروه‌زبان» می‌تواند فقط یک عضو داشته باشد. او در مواردی که داده‌های آماری، همبستگی بین جفت‌های دستوری و ترتیب فعل-مفعول یا مفعول-فعل را به روشنی نشان ندهد، به مقایسه تناسب آن‌ها می‌پردازد.

در خصوص مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه در این بخش، دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۸) عنوان می‌کند که ۶ جفت دستوری، یعنی مؤلفه‌های ۱۹ تا ۲۴ در مقاله درایر (۱۹۹۲) مطرح نیستند، اما در پایگاه داده‌های کنونی او موجود هستند. مؤلفه‌های ۹، ۱۰، ۱۱، و ۱۲، به لحاظ آماری جفت‌های همبسته محسوب نمی‌شوند، و مؤلفه‌های ۱۷ و ۱۸ نیز طبقه‌بندی قطعی نشده‌اند. این پژوهش با پیروی از دبیرمقدم (۱۳۹۲)، و با الگوگیری از او، مؤلفه‌های مذکور را در این تحلیل به کار می‌برد.

لازم به ذکر است که در بهبهنی، مصوت \bar{a} در مقایسه با فارسی اندکی بسته‌تر تولید می‌شود.

مؤلفه ۱، نوع حرف اضافه: بهبهنی پیش‌اضافه‌ای است. برخی از پیش‌اضافه‌ها عبارتند از: (a به، از)، (dime با/ همراه)، (veley پیش/ نزد)، (te در)، (vešāy از، به و...) و (se برای). گفتنی است که در بهبهنی برخلاف زبان فارسی، نشانه‌ای برای مفعول صریح وجود ندارد. در جمله (۱)، مفعول صریح

-
1. EURASIA
 2. AFRICA
 3. SEASIA&Oc
 4. AUS-NEWGUI
 5. NAMER
 6. SAMER

قبل از فعل، و مفعول غیر صریح (Maryam)، با پیش‌اضافه (a) بعد از فعل ظاهر شده است. پسوند (-eku) نشانه معرفه برای مفعول صریح (ketāb) است. نشانه (=) دال بر واژه‌بست یا پی‌بست ضمیری و نشانه (-) برای تقطیع سایر تکواژهای دستوری می‌باشد.
(۱) من کتاب را به مریم دادم.

1. me=m ketāb-eku dā a Maryam

مریم به داد معرفه-کتاب اش.م=من

مؤلفه ۲، توالی هسته اسمی و بند موصولی: هسته اسمی پیش از بند موصولی به کار می‌رود. ویژگی مذکور در بهبهانی معرف زبان‌های فعل‌میانی (VO) قوی و فعل‌پایانی ضعیف در منطقه اروپا-آسیا است. در کل زبان‌های جهان، صورت‌بندی مذکور در بهبهانی، فعل‌میانی و فعل‌پایانی قوی است.

(۲) من کتاب را به مردی که آمد دادم.

2. me=m ketāb dā a mard-i ke ame

آمد که موصولی ساز-مرد به داد کتاب اش.م=من

مؤلفه ۳، توالی مضاف و مضاف‌الیه: مضاف قبل از مضاف‌الیه قرار می‌گیرد.

در این مؤلفه، بهبهانی نیز مانند زبان فارسی، از ترتیب مضاف-مضاف‌الیه (NGen) بهره می‌برد. در مؤلفه مذکور، بهبهانی در منطقه اروپا-آسیا و در کل زبان‌های جهان فعل‌میانی قوی و فعل‌پایانی ضعیف است.

(۳) پسر علی

3. pos-e Ali

علی اضافه-پسر

مؤلفه ۴، توالی صفت و مبنای مقایسه: در بهبهانی نیز به مانند زبان فارسی، صفت می‌تواند هم پیش، و هم پس از مبنای مقایسه بیاید. ترتیب «مبنای مقایسه + صفت» مشخصه زبان‌های فعل‌پایانی قوی و فعل‌میانی ضعیف در اروپا-آسیا و در سطح زبان‌های جهان است. اما ترتیب «صفت + مبنای مقایسه» ویژگی زبان‌های فعل‌میانی قوی و فعل‌پایانی ضعیف در هر دو منطقه است. بنابراین، در جدول‌های مربوط به زبان‌های آسیا اروپا و جهان، هر چهار امکان علامت‌گذاری شده‌اند.

(۴) بزرگ‌تر از مریم / از مریم بزرگ‌تر

4. (a) gaf-tar-e maryam

مریم از-تر-بزرگ

(b) a maryam gaf-tar

تر-بزرگ مریم از

مؤلفه ۵، توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای: گروه حرف اضافه‌ای در مواردی بعد از فعل و در مواردی قبل از فعل ظاهر می‌شود. ترتیب «گروه حرف اضافه‌ای (PP) + فعل (v)»، مشخصه زبان‌های فعل‌پایانی قوی در اروپا-آسیا و جهان است، و ترتیب «فعل (v) + گروه حرف اضافه‌ای (PP)»، مشخصه زبان‌های فعل‌میانی قوی در اروپا-آسیا و جهان است. در بهبهانی، گروه حرف اضافه‌ای در مواردی بعد از فعل و در مواردی قبل از فعل ظاهر می‌شود. بنابراین، در جدول‌های مربوط به زبان‌های آسیا-اروپا و جهان، هر چهار امکان علامت‌گذاری شده‌اند. (۵) او در را با کلید باز کرد.

5. u=š der dime kelid vāz ke

کرد باز کلید با در ۳.ش.م=و

(۶) من به دیوار تکیه دادم.

6. me=m tekya dā a divār

دیوار به داد تکیه ۱.ش.م=من

مؤلفه ۶، توالی فعل و قید حالت: قید حالت در بهبهانی مانند زبان فارسی معمولاً قبل از فعل می‌آید. با این وصف، حامدی شیروان و همکاران (۱۳۹۴) عنوان کرده‌اند که در مواردی، قید حالت بعد از فعل نیز به کار می‌رود (مثال ۸). بنابراین، بهبهانی در این مؤلفه در حالت بی‌نشان در منطقه اروپا-آسیا و کل زبان‌های جهان فعل‌پایانی قوی و فعل‌میانی ضعیف است. اما با لحاظ کردن حالت نشان‌دار، در جدول‌های مربوط به زبان‌های آسیا-اروپا و جهان، هر چهار امکان علامت‌گذاری شده‌اند.

(۷) آهسته دویدند.

7. yevāš dowes-en

۳.ش.ج-دوید آهسته

(۸) نگران نباش، یاد می‌گیری کم کم.

8. na negarāni ba yād me-ger-a kem kemay

کم کم ۲ش.م-گیر-می یاد باش نگران ادات نفی

مؤلفه ۷، توالی فعل اسنادی و گزاره: در بهبهانی مانند زبان فارسی، گزاره پیش از فعل اسنادی جای دارد. بنابراین، بهبهانی در منطقه اروپا-آسیا و زبان‌های کل جهان، از مشخصه فعل‌پایانی قوی و فعل‌میانی ضعیف برخوردار است.
(۹) آن مرد معلم است.

9. mard-aku mo?alem-i

است - معلم معرفه - مرد

مؤلفه ۸، توالی فعل «خواستن» و فعل «بند پیرو»: فعل «خواستن» [mi(t)] در بهبهانی مانند زبان فارسی، پیش از فعل بند پیرو ظاهر می‌شود. بنابراین، بهبهانی در این مؤلفه از مشخصه‌های زبان‌های فعل‌میانی قوی و فعل‌پایانی ضعیف در منطقه اروپا-آسیا و زبان‌های کل جهان برخوردار است.
(۱۰) آن‌ها می‌خواهند درس بخوانند.

10. ošu=še mi dars be-xun-en

۳ش.ج-خوان-التزامی درس خواه ۳ش.ج=آن‌ها

مؤلفه ۹، توالی موصوف و صفت: صفت پس از موصوف جای دارد. این ویژگی معرف زبان‌های فعل‌پایانی و فعل‌میانی ضعیف در منطقه زبان‌های اروپا-آسیا است، اما مشخصه قوی برای هر دو رده زبانی در سطح زبان‌های جهان است.
(۱۱) مرد بلند قد

11. mard=e gad boland

بلند قد اضافه-مرد

مؤلفه ۱۰، توالی صفت اشاره و اسم: صفت اشاره قبل از اسم می‌آید. صفت اشاره در بهبهانی مانند زبان فارسی، پیش از اسم واقع می‌شود، و بهبهانی در این مؤلفه دارای مشخصه فعل‌پایانی و فعل‌میانی قوی در اروپا-آسیا و جهان است.

(۱۲) آن مرد

12. u mard-a / u mard-aku

معرفه-مرد آن / معرفه-مرد آن

(۱۳) این کتاب‌ها

13. i ketāb-ā-y-a

معرفه-میانجی-نشانه جمع-کتاب این

(۱۴) آن زن

14. u zen-a

معرفه-زن آن

مؤلفه ۱۱، توالی قید مقدار و صفت: قید مقدار در بهبهانی مانند زبان فارسی، پیش از صفت واقع می‌شود. بهبهانی در این مشخصه مانند زبان‌های فعل‌پایانی و فعل‌میانی قوی در منطقه اروپا-آسیا و زبان‌های کل جهان عمل می‌کند.

(۱۵) بسیار بلند

15. ma:li boland

بلند خیلی

مؤلفه ۱۲، توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود: بهبهانی برای بیان مفهوم زمان آینده فعل کمکی ندارد و از صورت مضارع فعل اصلی برای این منظور استفاده می‌کند.

(۱۶) خواهم رفت / می‌روم / می‌خواهم بروم.

16. mi-š-am

ش.م-رو-اخباری

برای بیان نمود ناقص (یا مستمر) در زمان‌های حال و گذشته، فعل کمکی خاصی وجود ندارد. در زمان حال از صورت «می + ستاک فعل حال» و قید زمان *īsa* (یعنی اکنون) استفاده می‌شود. در زمان گذشته، این پیشوند به ستاک گذشته فعل اضافه می‌شود.

(۱۷) من دارم می‌نویسم.

17. me isa me-nevis-am

ش.م-نویس-اخباری حالا من

(۱۸) داریم نصیحت می‌کنیم.

18. nesihat mo-kon-im

اش.ج-کن-نمود ناقص نصیحت

(۱۹) داشتم می‌رفتم.

19. mi-rat-am

اش.م-رو-نمود ناقص

(۲۰) داشتی می‌خوردی.

20. mi=t xa

خورد اش.م=نمود ناقص

(۲۱) رفته بودم.

21. rat-e bid-am

اش.م-بود-اسم مفعول-رفت

(۲۲) خورده بودی.

22. xard-e=t bi

بود اش.م=اسم مفعول-خورد

(۲۳) رفته بوده‌ام.

23. rat-e bid-e-y-am

اش.م-میانجی-اسم مفعول-بود اسم مفعول-رفت

(۲۴) خورده بوده‌ام.

24. xard-e=m bid-e

اسم مفعول-بود اش.م=اسم مفعول-خورد

(۲۵) رفته باشم.

25. rat-e ba-m

اش.م-باش اسم مفعول-رفت

(۲۶) خورده باشم.

26. xard-e=m bu

باش ا.ش.م=اسم مفعول-خورد

بر اساس داده‌های فوق، فعل کمکی زمان- نمود در بهبهانی، پس از فعل اصلی به کار می‌رود. بنابراین، بهبهانی در این مؤلفه دارای مشخصه فعل پایانی قوی و فعل میانی ضعیف در منطقه اروپا-آسیا و کل جهان است.

مؤلفه ۱۳، توالی ادات استفهام و جمله: در بهبهانی نیز مانند زبان فارسی، پرسش‌های آری- نه، هم با ادات استفهام مثل eykə (آیا/ راستی)، mey (مگر)، و هم بدون ادات استفهام بیان می‌شوند. در این مؤلفه، بهبهانی در منطقه اروپا-آسیا و زبان‌های جهان، فعل پایانی ضعیف و فعل میانی قوی است. لازم به ذکر است که در جمله (۲۹)، فعل ربطی «است» حذف شده است.

(۲۷) آیا آن‌ها غذا خوردند؟

27. ošu=še qazā xa

خورد غذا ۳.ش.ج=آن‌ها

(۲۸) آیا من باید این را بخوانم؟

28. me bāyad yo bo-xun-am

ا.ش.م خوان-التزامی این باید من

(۲۹) آیا آن مرد آن جا است؟

29. u mard undza

آن جا مرد آن

(۳۰) آیا می‌خواهی غذا بخوری؟

30. eykə mit=et qazā bo-xor-a

۲.ش.م-خور-التزامی غذا ۲.ش.م=می‌خواه آیا

(۳۱) آیا آن‌ها غذا خوردند؟

31. ošu=še qazā xa

خورد غذا ۳ش.ج=آن‌ها

مؤلفه ۱۴، توالی پیرونمای بند قیدی و بند: در بهبهانی نیز مانند فارسی، پیرونما/ حرف ربط بند قیدی قبل از بند پیرو قرار می‌گیرد. بهبهانی در این مشخصه، فعل میانی قوی و فعل پایانی ضعیف در منطقه زبانی اروپا-آسیا و در کل زبان‌های جهان است.
(۳۲) وقتی که به اصفهان برسند، به ما اطلاع خواهند داد.

32. vaqti a Esfāhu reses-en a mā etelā mi-d-en

۳ش.ج-ده-اخباری اطلاع ما به ۳ش.ج-رسید اصفهان به وقتی

مؤلفه ۱۵، توالی حرف تعریف و اسم: بهبهانی، از ترتیب «اسم + حرف تعریف» پیروی می‌کند. حروف تعریف نکره و معرفه پس از اسم می‌آیند. نشانه معرفه به دو صورت (-eki,-e/aku) و (-ay/-a) در پایان اسم و (-u) در پایان صفت در گروه اسمی ظاهر می‌شود. چنین ترتیبی، از مشخصه‌های زبان‌های فعل‌پایانی و فعل میانی ضعیف در اروپا-آسیا است، اما فعل‌پایانی قوی و فعل میانی ضعیف در کل زبان‌های جهان است.
(۳۳) مرد

33. mard-ay/mard-aku

معرفه-مرد/معرفه-مرد

(۳۴) کتابی

34. ya ketāb-i / ketāb-i

نکره-کتاب/ نکره-کتاب یک

(۳۵) شاگرد

35. šāgerd-aku

معرفه-شاگرد

(۳۶) آن درخت سیب (نشاطی، ۱۳۹۵)

36. deraxt-e sib-eki

معرفه-سیب اضافه-درخت

مؤلفه ۱۶، توالی فعل و فاعل: فاعل قبل از فعل جای دارد (نمونه‌های ۱، ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۷، ۲۷...). در این مؤلفه، بهبهانی مانند زبان فارسی، در منطقه اروپا-آسیا، و در کل زبان‌های جهان فعل پایانی قوی و فعل‌میانی قوی است.

مؤلفه ۱۷، توالی عدد و اسم: بهبهانی در این مؤلفه ترتیب عدد + اسم را جایز می‌داند و در منطقه زبان‌های اروپا-آسیا و کل زبان‌های جهان مشخصه‌های زبان‌های فعل پایانی قوی و فعل میانی قوی را نشان می‌دهد.

(۳۷) دو کتاب

37. de ketāb

کتاب دو

مؤلفه ۱۸، توالی وند زمان- نمود و ستاک فعل: در بهبهانی ستاک گذشته با اضافه کردن پسوند گذشته‌ساز (-d/-ād/-t/-es/-i) به ستاک حال ساخته می‌شود.

(۳۸) رسید.

38. res-es

پسوند گذشته-ستاک حال رسیدن

(۳۹) برید.

39. bor-i

پسوند گذشته-ستاک حال بریدن

پسوند سببی‌ساز [an/on] به ستاک حال فعل اضافه می‌شود و پس از آن پسوند گذشته‌ساز افزوده می‌شود. مقایسه دو صورت مصدر غیرسببی و مصدر سببی در نمونه‌های زیر ارائه شده است.

(۴۰) پریدن

40. per-es-an

مصدر-پسوند گذشته-ستاک حال پریدن

(۴۱) پراندن

41. per-on-d-an

مصدر-پسوند گذشته-سببی- ستاک حال پریدن

در ساخت ماضی نقلی نشانه اسم مفعول /ī -e، پس از ستاک گذشته فعل واقع می‌شود.

(۴۲) آنها آمده‌اند.

42. ošu amed-i-yen

ش.۳ ج-اسم مفعول-آمد آنها

پسوند گذشته‌ساز به ستاک حال فعل و پسوند نمود کامل پس از پسوند گذشته‌ساز اضافه می‌شود. از سوی دیگر، پیشوند نمود ناقص می- (mi-/me-/mo-) پیش از ستاک فعل واقع می‌شود. بنابراین، بهبهانی همانند زبان فارسی از پیشوند و پسوند زمان- نمود استفاده می‌کند.

در جدول‌های مربوط به زبان‌های آسیا-اروپا و جهان، هر چهار امکان علامت‌گذاری شده‌اند.

مؤلفه ۱۹، توالی اسم و تکواژ ملکی: تکواژ وابسته ملکی که همان واژه‌بست ملکی است، به صورت پی‌بست پس از اسم ظاهر می‌شود. در بهبهانی، پی‌بست‌های ملکی نه‌وند، بلکه واژه‌بست‌های ملکی هستند و به لحاظ جایگاه دستوری بعد از اسم ظاهر می‌شوند. بهبهانی در این مؤلفه و در منطقه اروپا-آسیا فعل‌پایانی و فعل‌میانی قوی و در کل زبان‌های جهان فعل‌پایانی ضعیف اما فعل میانی قوی است.

(۴۳) دوستش

43. dus=ey

ش.۳ م=دوست

مؤلفه ۲۰، توالی فعل اصلی و فعل کمکی «توانستن»: فعل کمکی «توانستن» قبل از فعل اصلی جای دارد. چنین ترتیبی، مانند فارسی مشخصه زبان‌های فعل‌پایانی ضعیف و فعل‌میانی قوی در دو منطقه زبانی اروپا-آسیا و کل زبان‌های جهان است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۲۹).

(۴۴) می‌توانم بخوانم.

44. mo-tun-am be-xun-am

ش.۱ م-خوان-التزامی ش.۱ م-توان-اخباری

(۴۵) توانستید بروید.

45. tunes=te be-ši

ش.ج-رو-الترامی ۲.ش.ج=پسوند گذشته-توان

مؤلفه ۲۱، توالی متمم‌نما و جمله متمم: در بهبهانی نیز مانند زبان فارسی، «بند متمم» پس از فعل اصلی واقع می‌شود، و متمم‌نمای ke «که»، به طور قطعی، پیش از بند متمم واقع می‌شود. در این مؤلفه، بهبهانی در منطقه اروپا-آسیا و کل زبان‌های جهان، فعل پایانی ضعیف و فعل میانی قوی است.

(۴۶) می‌دانم که آن مرد مهربان است.

46. me-dun-am ke u mard-e mehrabun-i

است-مهربان معرفه-مرد آن که ۱.ش.م-دان-اخباری

مؤلفه ۲۲، حرکت پرسش‌واژه: پرسش‌واژه در جای اصلی خود می‌ماند و به اجبار به ابتدای جمله حرکت نمی‌کند. با توجه به آمارهای درایر (۲۰۱۲)، می‌توان گفت که این مؤلفه در بهبهانی، به صورت فعل پایانی قوی و فعل میانی ضعیف در منطقه اروپا-آسیا و در کل زبان‌های جهان است.

(۴۷) آن‌ها چه چیزی را خریدند؟

47. ošu=še tse xer-i

پسوند گذشته خرید چه ۳.ش.ج=آنها

مؤلفه ۲۳، توالی مفعول و فعل: مفعول صریح گروهی پیش از فعل واقع می‌شود و مفعول بندی پس از فعل ظاهر می‌شود. گفتنی است که ترتیب اصلی واژه در بهبهانی در صورتی که مفعول صریح، گروه اسمی باشد (مثال‌های ۱، ۲، ۵، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱)، «فاعل-مفعول-فعل» (SOV) و در صورتی که مفعول صریح، مفعول بندی یا جمله‌ای باشد، «فاعل-فعل-مفعول» (SVO) است (مثال‌های ۱۰ و ۳۳). بهبهانی در این مؤلفه فعل پایانی قوی و فعل میانی قوی در منطقه زبان‌های اروپا-آسیا و کل جهان است.

مؤلفه ۲۴، توالی وند منفی‌ساز و ستاک فعل: وند منفی‌ساز به صورت پیشوند به ستاک فعل می‌پیوندد. مطابق با جدول توالی «وند منفی‌ساز و ستاک فعل» درایر (۱۹۹۲: ۹۸)، ترتیب «وند منفی‌ساز + ستاک فعل»، مشخصه زبان‌های فعل میانی قوی و فعل پایانی قوی در منطقه زبان‌های

اروپا-آسیا و کل زبان‌های جهان است. در بهبهانی نیز، وند منفی‌ساز به صورت پیشوند به ستاک فعل می‌پیوندد.
(۴۸) ندویدند.

48. na-dow-es-en

۳ ش ج-گذشته-دو-نشانه منفی
در بهبهانی معمولاً جملاتی که از فعل اسنادی و گزاره/مسند ساخته شده‌اند، با ادات نفی، منفی می‌شوند. در این جملات گزاره قبل از فعل اسنادی واقع می‌شود و ادات نفی، پیش از گروه اسمی، قید و یا صفت ظاهر می‌شوند. گفتنی است که مثال (۵۲)، ساختی متفاوت از سایر جملات دارد.
(۴۹) او معلم نیست.

49. u na mo?alem-i

(است) ۳ش.م- معلم نه او
(۵۰) آن‌ها این‌جا نیستند.

50. ošū na indze-n-en

(هستند) ۳ش.ج-میانجی-اینجا نه آن‌ها
(۵۱) عاقل نیست.

51. na āqel-i

(است) ۳ش.م-عاقل نه
(۵۲) تو نگفتی بیا.

52. na te gā bi-y-ow

آی-میانجی-التزامی گفت تو نه

دو سازوکار منفی‌ساز، یعنی «وند منفی‌ساز» و «ادات منفی»، هر دو پیش از فعل واقع می‌شوند، و بهبهانی در این مؤلفه، فعل‌میانی قوی و فعل پایانی قوی در زبان‌های منطقه اروپا-آسیا و کل زبان‌های جهان است.
تحلیل مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در بهبهانی بر اساس جدول‌های (۱) و (۲) به قرار زیر است:

الف) بهبهنی در مؤلفه‌های ۱۰ (توالی صفت اشاره و اسم)، ۱۱ (توالی قید مقدار و صفت)، ۱۶ (توالی فعل و فاعل)، ۱۷ (توالی عدد و اسم)، ۲۳ (توالی مفعول و فعل) و ۲۴ (توالی وند منفی‌ساز و ستاک فعل)، در منطقهٔ زبان‌های اروپا-آسیا و کل جهان، فعل‌پایانی قوی و فعل‌میانی قوی است.

ب) در مؤلفه‌های ۴ (توالی صفت و مبنای مقایسه)، ۵ (توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای)، ۶ (توالی فعل و قید حالت) و ۸ (توالی وند زمان-نمود و ستاک فعل)، در منطقهٔ زبان‌های اروپا-آسیا و جهان از هر چهار امکان مشخصه‌های فعل‌میانی و فعل‌پایانی قوی و ضعیف برخوردار است.

پ) در مؤلفه‌های ۷ (توالی فعل اسنادی و گزاره)، ۱۲ (توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود) و ۲۲ (حرکت پرسش‌واژه)، در منطقهٔ زبان‌های اروپا-آسیا و زبان‌های کل جهان فعل‌میانی ضعیف، اما فعل‌پایانی قوی است.

ت) در مؤلفه‌های ۱ (نوع حرف اضافه)، ۳ (توالی مضاف و مضاف‌الیه)، ۸ (توالی فعل خواستن و فعل بند پیرو)، ۱۳ (توالی ادات استفهام و جمله)، ۱۴ (توالی پیرونمای بند قیدی و بند)، ۲۰ (توالی فعل اصلی و فعل کمکی «توانستن»)، و ۲۱ (توالی متمم‌نما و جملهٔ متمم) در منطقهٔ زبان‌های اروپا-آسیا و زبان‌های کل جهان فعل‌میانی قوی اما فعل‌پایانی ضعیف است.

ث) در مؤلفه‌های ۲ (توالی هستهٔ اسمی و بند موصولی)، ۹ (توالی موصوف و صفت)، ۱۵ (توالی حرف تعریف و اسم) و ۱۹ (توالی اسم و تکواژ ملکی) مشخصه‌های رده‌شناختی دو ردهٔ فعل‌پایانی و فعل‌میانی در زبان‌های اروپا-آسیا و جهان یک‌دست نیستند. به بیانی دیگر، در مؤلفهٔ ۲ فعل‌میانی قوی و فعل‌پایانی ضعیف در منطقهٔ زبان‌های اروپا-آسیا اما در کل زبان‌های جهان، فعل‌میانی و فعل‌پایانی قوی است. در مؤلفهٔ ۹ فعل‌پایانی و فعل‌میانی ضعیف در منطقهٔ زبان‌های اروپا-آسیا اما فعل‌میانی و فعل‌پایانی قوی در کل زبان‌های جهان است. در مؤلفهٔ ۱۵ فعل‌پایانی و میانی ضعیف در منطقهٔ زبان‌های اروپا-آسیا اما فعل‌میانی ضعیف و فعل‌پایانی قوی در کل زبان‌های جهان است. در مؤلفهٔ ۱۹ فعل‌میانی قوی و فعل‌پایانی قوی در منطقهٔ زبان‌های اروپا-آسیا، اما فعل‌میانی قوی و فعل‌پایانی ضعیف در کل زبان‌های جهان است.

با صرف نظر از مؤلفه‌های رده‌شناختی مشترک در دو رده فعل‌میانی و فعل‌پایانی در دسته‌های (الف) و (ب)، اختلاف آماری دسته (ت) با ۷ مؤلفه فعل‌میانی قوی و دسته (پ) با ۳ مؤلفه فعل‌پایانی قوی در منطقه زبان‌های اروپا-آسیا و جهان عدد ۴ است. به بیانی دیگر، بهبهانی در ۴ مؤلفه دیگر در منطقه زبان‌های اروپا-آسیا و جهان «فعل‌میانی‌تر» است. از سوی دیگر، با لحاظ کردن مؤلفه‌های دسته (ث) و مقایسه آن‌ها در جدول‌های (۱) و (۲)، می‌توان گفت که در مجموع، بهبهانی در سطح زبان‌های منطقه اروپا-آسیا در ۵ مؤلفه، و در کل زبان‌های مناطق جغرافیایی جهان در ۴ مؤلفه دیگر «فعل‌میانی‌تر» است.

در مقایسه با سایر زبان‌های ایرانی نو، مستندشده در کتاب *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، بهبهانی برخلاف زبان‌های شهمیرزادی، تاتی و تالشی در مؤلفه‌های ۱ (نوع حرف اضافه)، ۳ (توالی مضاف و مضاف‌الیه) و ۹ (توالی موصوف و صفت) چپ‌هسته یا چپ‌انشعابی است و در این ویژگی با بسیاری از زبان‌های ایرانی نو از جمله فارسی هم‌سو است. مفعول صریح در این زبان نشانه‌ای ندارد و از این جهت مانند زبان‌های دوانی و لارستانی است، اما متفاوت از فارسی و برخی دیگر از زبان‌های ایرانی نو است. بهبهانی تنها در چهار مؤلفه رده‌شناختی ترتیب واژه با فارسی تفاوت دارد. در زبان فارسی «گروه حرف اضافه‌ای» و «قید حالت» در مؤلفه‌های ۵ و ۶ پیش از فعل واقع می‌شوند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲) در صورتی که همتای آن‌ها در بهبهانی می‌تواند پیش و یا پس از فعل ظاهر شود. در مؤلفه ۱۲ (توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود)، زبان فارسی برای بیان زمان آینده از «فعل کمکی» استفاده می‌کند، اما در بهبهانی «فعل کمکی» برای مفهوم آینده وجود ندارد و برای این منظور، تنها از تصریف مضارع فعل استفاده می‌شود.

از سوی دیگر، فارسی و بسیاری از زبان‌های ایرانی نو، برای بیان نمود ناقص (مستمر) فعل کمکی مستقل دارند، در صورتی که برای بیان این منظور، بهبهانی مانند دوانی، دلواری و لارستانی، فعل کمکی مستقل ندارد و از صورت‌بندی پیشوند «می-» (mi-/me-/mo-) و ستاک فعل استفاده می‌کند. بهبهانی در مؤلفه‌های ۴ (توالی صفت و مبنای مقایسه)، ۵ (توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای) و ۶ (توالی فعل و قید حالت) در جدول‌های (۱) و (۲) هر دو شق را (راست‌انشعابی و چپ‌انشعابی) جایز می‌داند. از ویژگی دیگر بهبهانی، وجود نشانه معرفه‌ساز

aku و ay- است که پس از اسم واقع می‌شود. نشانه معرفه‌ساز aku- در زبان‌های کردی، اورامی، دونی، دلواری و لارستانی نیز قابل مشاهده است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲).

جدول (۱) بهبهانی در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا

| ردیف | مؤلفه | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | رده |
|------|-------|---|---|---|---|---|---|---|---|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|-----|
| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ | |
| ۱۴ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۴ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۹ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۹ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

جدول (۲) بهبهانی در مقایسه با زبان‌های جهان

| ردیف | مؤلفه | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | رده |
|------|-------|---|---|---|---|---|---|---|---|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|-----|
| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ | |
| ۱۶ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۲ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۸ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۲۰ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که سوی انشعاب در مؤلفه‌های رده‌شناختی پیش‌گفته در بخش ۴، در بهبهانی یک‌دست نیست، و زبان مزبور در منطقه خود، یعنی اروپا-آسیا و کل جهان

آمیخته‌ای از مؤلفه‌های رده‌شناختی فعل‌پایانی و فعل‌میانی است. با وجود این، بهبهانی گرایش زیادی به مشخصه‌های رده‌شناختی زبان‌های فعل‌میانی دارد. در این باب، دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۱۹۷) تصریح می‌کند که:

رفتار رده‌شناختی زبان‌های ایرانی نو به لحاظ مؤلفه‌های بیست‌وچهارگانه ترتیب واژه نشان می‌دهد که رده بینابینی هم خود یک رده است و نمی‌توان الزاماً حکم کرد که مرحله‌ای است موقتی و در گذار. این رده بینابینی ممکن است قرن‌ها ادامه یابد. بنابراین، به نظر می‌رسد این وضعیت بینابینی را نیز باید به منزله یک «رده مستقل» بازشناخت.

بهبهانی علی‌رغم این که در بسیاری از مؤلفه‌های رده‌شناختی مزبور به فارسی شباهت دارد، اما در برخی ویژگی‌های دستوری، مثل فقدان فعل‌های کمکی مستقل برای بیان زمان آینده، فقدان نمود مستمر در زمان‌های حال و گذشته، و همچنین، نبود نشانه مفعول صریح، با زبان فارسی تفاوت دارد.

فهرست منابع

احمدی‌پور، طاهره. (۱۳۷۲). *آرایش سازه‌ها در فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

حامدی شیروان، زهرا. (۱۳۹۵). *بررسی آرایش واژه‌ها و حالت‌نمایی در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناختی*. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی همگانی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

حامدی شیروان، زهرا، شریفی، شهلا، و الیاسی، محمود. (۱۳۹۴). بررسی و توصیف واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی. *جستارهای زبانی*، ۷ (۴)، صص. ۱۲۵-۱۴۷.

حامدی شیروان، زهرا، شریفی، شهلا، و الیاسی، محمود. (۱۳۹۴). بررسی و توصیف حالت‌نمایی در چهار گویش فارسی خوزستان از منظر رده‌شناسی زبان. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۲ (۸)، صص. ۱-۲۳.

دبیرمقدم، محمد. (۱۳۷۶). فعل مرکب در زبان فارسی. *زبان‌شناسی*. سال ۱۲ (۱ و ۲)، ۲-۴۶.

دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. جلد ۲. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

راستی بهبهانی، امین. (۱۳۸۸). *گویش بهبهانی، دستور صرفی، واژگان معمول*. تهران: طرح و اجرای کتاب.

۱۶۲ ترتیب واژه در بهبهانی از منظر رده‌شناسی زبان

- راستی بهبهانی، امین. (۱۳۹۱). بهبهانی؛ گویش یا لهجه؟ (بررسی ساختار صرفی فعل در زبان محلی بهبهانی). *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، ۲ (۳)، صص ۶۱-۸۴.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۲). *قلب نحوی در زبان فارسی*. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- رضاپور، ابراهیم. (۱۳۹۴). ترتیب واژه در سمنانی از منظر رده‌شناسی زبان. *جستارهای زبانی*، ۶ (۵).
- رضایی، والی، بهرامی، فاطمه. (۱۳۹۴). *مبانی رده‌شناسی زبان*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- شجاعی، ماهرخ. (۱۳۹۶). *آرایش سازه‌ها در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- شرفیان، پروین. (۱۳۹۰). *تطابق اصطلاحات، کنایات و ضرب‌المثل‌های بهبهانی با ضرب‌المثل‌های فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اهواز: دانشگاه پیام نور.
- فیض‌بخش، هدی. (۱۳۹۴). *ترتیب بی‌نشان و نشان‌دار سازه‌ها در کردی اردلانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- گرامی، شهرام. (۱۳۸۵). *توصیف دستگاه فعل در گویش بهبهانی*. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۳ (۱).
- محمدیان، خیراله. (۱۳۹۴). *توصیف همزمانی ساخت‌واژه گویش بهبهانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. یاسوج: دانشگاه یاسوج.
- محمودوف، حسن. (۱۳۶۵). *ترتیب توالی کلمات در جملات ساده دو ترکیبی فارسی*. ترجمه احمد شفیعی. *مجله زبان‌شناسی*، ۳ (۱)، صص ۵۳-۶۶.
- معماری، مهرا. (۱۳۷۵). *بررسی و توصیف زبان‌شناختی گویش بهبهانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- معماری، مهرا. (۱۳۸۹). *بررسی و توصیف زبان‌شناختی گویش بهبهانی*. اهواز: انتشارات کردگار.
- منصوری، مهرزاد. (۱۳۸۴). *گروه پوسته‌ای در زبان فارسی*. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- نشاطی، فرخنده. (۱۳۹۵). *بررسی دستور زبان گویش بهبهانی در آثار برجسته شاعران محلی سرا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- واحدی لنگرودی، محمدمهدی. (۱۳۸۱). *ترتیب اصلی کلمات در جملات ساده و جفت‌های همبستگی در گویش گیلکی لنگرود*. *پژوهش زبان‌های خارجی*، ۱۳، صص ۱۷۵-۱۵۱.
- زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی، سال چهارم، شماره دوم
- پاییز و زمستان ۱۳۹۸

- Comrie, B. (1989). *Language universals and linguistic typology 2nd ed.* Chicago: University of Chicago press.
- Dabir-Mogaddam, M. (2001). Word order typology of Iranian languages. *The Journal of Humanities*, 8 (2), pp. 17-23
- Darzi, A. (1996). *Word order, NP movement, and opacity conditions in persian*. Ph.D. diss. University of Illinois at Urbana- Champaign.
- Dryer, M. (1992). The Greenbergian word order correlations. *Language*, 68, pp. 81-138.
- Dryer, M. (2012). On the position of interrogative phrases and the order of complementizer and clause. In Thomas Graf, Denis Paperno, Anna Szabolcsi, Jos Tellings (eds.), *Theories of Everything. In Honor of Ed Keenan*. UCLA Working Papers 17: 72 - 79.
- Farrokhpey, M. (1979). *A syntactic and semantic study of auxiliaries and modals in modern Persian*. Unpublished doctoral thesis. University of Colorado , Bolder, Colorado.
- Greenberg, J. H. (1963/ 1966). Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements. In *universals of language*, J. H. Greenberg (ed.), pp.73-113, Cambridge: MIT Press.
- Jazayery, M. A., and Paper H. H. (1961). *A reference grammar of modern persian*. Ann Arbor: The University of Michigan Press.
- Karimi, S. (1989). *Aspects of persian syntax, specificity and the theory of grammar* . Ph.D. diss. The University of Washignton.
- Karimi, S. (1994). Word-order variation in contemporary spoken persian. *Persian studies in north America in honor of Mohammad Ali Jazayery*. Edited by Mehdi Marashi, pp. 43-73. USA. Bethesda, Maryland. IRAN BOOKS.
- Lehmann, W. P. (1973). A structural principle of language and its implications. *Language*, 49, pp. 47-66.

- Marashi, M. (1970). *The persian verb: a partial description for pedagogical purposes*. Ph.D. diss. The University of Texas.
- Moyne, John A. (1970). *The Structure of Verbal Constructions in Persian*. Doctoral Dissertation: Harvard University
- Samiiian, Vida (1983). *Structure of Phrasal Categories in Persian: An X-Bar Analysis*. Doctoral Dissertation. University of California, Los Angeles.
- Soheili-Isfahani, A. (1976). *Noun Phrase Complementation in Persian*. Ph.D. diss. University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Song, j. (2001). *Linguistic typology: morphology and syntax*. Singapore: Longman.
- Vennemann, T. (1974). Topics, subject and word order: SXV to SVX via TVX. In *Historical Linguistics*. Proceeding of the First International Conference on Historical Linguistics, Edinburg, 3-7 September 1973, 2 Vols., eds. J. Anderson and Ch.Jones, Amesterdam: North Holland, pp. 339-376.

Word Order Typology of Behbahani

Sh. Gerami

Allame Tabatabaei University, Tehran, Iran

Abstract

Behbahani belongs to the southwest Iranian languages the word order of which has rarely been studied from a typological viewpoint. This paper examines the typological status of word order in Behbahani based on Dryer's 1992 paper on twenty four word order criteria concerning VO versus OV typological language dichotomy in Eurasia, that is, Behbahani's language area and all the language areas of the world. The results show that although Behbahani does have word order typological criteria of VO versus OV languages, it tends to have more of VO typological properties. Although Behbahani is similar to modern Persian in many of its word order criteria, it lacks a case marker for the direct object and independent auxiliaries for future tense as well as the progressive aspect. Based on the questionnaire method of data collection, the data description and analysis was done using the speakers' linguistic intuitions and linguistic criteria.

Keywords: Pairs of Word Order Correlations, Left Branching, Right Branching, Branching Direction, Typological Criteria
